

منی که یه زمانی قرار بود همچین زندگی داشته باشم و الان به این
روز افتاده بودم

دست شاهان روی تنم بالا و پایین میشد و نوازش دستای داغش باعث میشد و
حواسم حسابی از فیلم پرت بشه

اما نه میتونستم شکایتی بکنم نه مخالفتی

دستشروی موهام نشست و شروع به بازی کردن با موهام شد

حواسمو به فیلم داده بودم و فکر می‌کردم که یک چیزی جز اون فیلمی که دارم
تماشا می‌کنم حس نکنم

اما شاهان کنار گوشم زمزمه می‌کرد _اگر پدرت مادرت اون گذشته‌ی وحشتناک و
برای من نمی‌ساختن من هیچ وقت با تو این کارو نمی‌کردم و مطمئن باش تو برای
من این آدمی که الان هستی نبودی

میدونی چیه مونس من اگه تو رو یه جایی دیگه یه طور دیگه میدیدم مطمئنم انتخابت
می‌کردم

برای اینکه تمام عمر کنارم باشی

اما به خاطر خانواده ات تو قربانی شدی

قربانی اشتباهات اونا

قربانی انتقام من...

نمیدونم شاید هیچ وقت منو نبخشی اما من برای اینکه به آرامش
برسم برای اینکه زندگیم آرام و قرار پیدا کنه باید این انتقام تموم کنم

خرفاش مثل چاقوی زهرآگین بود که توی قلبم فرو می‌رفت و زهری که توی رگ به
رگ بدنم پخش می‌شد دردناک بود و سوزشش تا مغز استخوانم می‌رسید
الان که اینطور داشت باهام حرف میزد میتونستم سوالی که توی دلم هست و ازش
بپرسم

این بچه ای که توی شکم منه میخوای با اون چیکار کنی؟
وقتی که ابروی منو خانوادمو بردی بعدش میخوای با این بچه چیکار کنی؟

نفس عمیقی کشید و گفت

_ اون بچه مال منه همیشه مال من می‌مونه

دست تویی که مادرشی نمیدمش چون تو از من متنفری پس مطمئنم از بچه منم
متنفر میشی

وقتی کارم تموم بشه بچه رو برمیدارم از اینجا میرم

اما تا اون موقع خیلی کار دارم خیلی زیاد

وقتی حالم بد میشد ناخودآگاه بدنمون منقبض میشد و حرکت خون توی رگ هام کند
و شاهان انگار بعد از این مدت تمام حرکات موزون خوب شناخته بود دستی روی
بازوم کشید آرام مالش داد و گفت

_آروم باش خودت رو رها کن دختر چیزی نیست

بالاخره تموم میشه

با همون دردی که توی قلبم احساس می کردم گفتم

اره درست میگی تموم میشه برای تو تموم میشه

اما برای من این جهنمی که ساختی تا ابد زنده میمونه

من هیچ وقت این کارای تو رو فراموش نمیکنم

تلویزیون خاموش کردو گفتم

_ فکر کنم فیلم رمانتیک دیدی باز هوا برت داشته

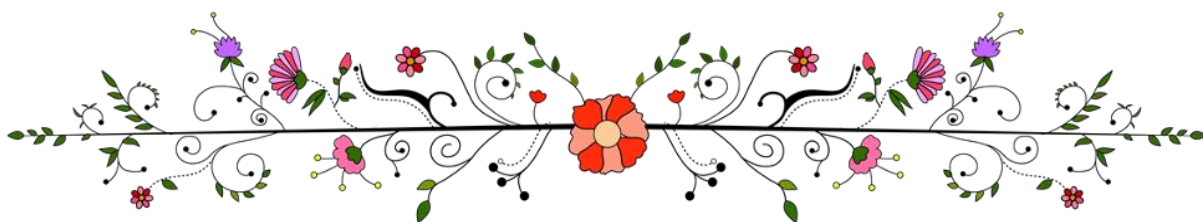
قرار نیست تو منو فراموش کنی قراره که من زندگی آرومی داشته باشم این همه

سال من توی جهنم زندگی کردم

دیگه قراره خانوادت و با اون جهنم آشنا کنم

من میرم دنبال زندگی با پسر و شما میمونید و جهنمی که باید توش سال‌های

سال بسوزید و رنگ آرامش و نبینید....

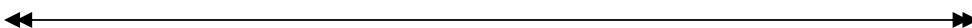


کاربر گرامی جهت اطلاع از پارت بعدی این رمان و دانلود هزاران رمان متفاوت

دیگر عضو شبکه های اجتماعی ما شوید .

جهت عضویت در کانال تلگرام و اینستاگرام ما روی بنر زیر کلیک کنید

(برای عضویت در کانال تلگرامی فیلتر شکن را روشن کنید سپس کلیک کنید)



جهت عضویت در پیج اینستاگرام ما اینجا را کلیک کنید 

جهت عضویت در کانال تلگرام ما اینجا را کلیک کنید 



اگر یکی از طرفدار های پر و پا قرص رمان هستی و میخوای همه رمان ها فروشگاهمون رو
بصورت یکباره دانلود کنی میتونی اشتراک تهیه کنی برای اطلاعات بیشتر اینجا رو کلیک کن

جهت دریافت اشتراک و جزئیات بیشتر اینجا را کلیک کنید

